

در شماره گذشته، بخش دوم از گزارش ده ساله‌ی گیری مصوبیات کنفرانس جهانی اصلاحات ارضی و توسعه روستایی (WCARRD) سازمان خواروبار جهانی (فائو) را با عنوان «دسترس‌ی به نهاده‌ها، بازار و خدمات کشاورزی» ترجمه و به‌نظر خوانندگان مجله رساندیم. همان‌طور که وعده کردیم، در این شماره ترجمه، بخش سوم گزارش مذکور را که به بررسی تجارب کشورهای مختلف در حال توسعه در زمینه توسعه فعالیت‌های غیرکشاورزی در مناطق روستایی اختصاص دارد، به‌نظر خوانندگان محترم می‌رسانیم.

توسعه و گسترش فعالیت‌های روستایی غیرکشاورزی

تفاوت میان نرخ رشد جمعیت مناطق روستایی و نرخ جمعیت شاغل در فعالیت‌های کشاورزی در کشورهای در حال توسعه باعث شد که در مقطع زمانی مابین سال‌های ۸۵-۱۹۸۰ بیش از ۶۶ میلیون نفر در بخش روستایی کشورهای در حال توسعه (به‌غیر از آن دسته از کشورهای آسیایی که دارای اقتصادهای متمرکز هستند) به فعالیت بپردازند که به کار کشاورزی اشتغال نداشتند. در دهه‌های آینده فرصت‌های شغلی موجود در خارج از بخش روستایی نیز تنها قادر به جذب بخش کوچکی از نیروی کار روبه رشد در بخش روستایی خواهد بود. پیش‌بینی‌های ILO (سازمان جهانی کار) درباره وضعیت نیروی کار در

گسترش فعالیت‌های غیرکشاورزی در مناطق روستایی

ترجمه: رضا ذوقدار مقدم

مناطق روستایی که اکنون حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد کل نیروی کار روستایی (نسبتی که در طول ۳۰ سال (۸۰-۱۹۵۰) در تمامی کشورهای در حال توسعه به استثناء کشورهای خاور نزدیک دوبرابر شده است) را تشکیل می‌دهند، بیش از پیش بر این مطلب صحه می‌گذارد.^(۱) در واقع رشد نیروی کار غیرکشاورزی در تمامی مناطق در حال توسعه سریع‌تر از نرخ رشد نیروی کار کشاورزی است که هرچه بیش‌تر اهمیت گسترش فعالیت‌های غیرکشاورزی در مناطق روستایی را آشکار می‌سازد. به‌عنوان مثال، نرخ رشد سالانه نیروی کار غیرکشاورزی در امریکای مرکزی و کشورهای حوزه کارائیب مابین سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰ حدود ۴۰/۲ درصد در مقابل ۰/۸۶ درصد برای کل نیروی کار کشاورزی بود. همین ارقام برای دیگر مناطق بین ۲ تا ۴ برابر تفاوت می‌کرد، مثلاً برای شرق آفریقا ۴/۶۲ درصد در مقابل ۱/۵۹ درصد و برای جنوب آسیا ۴/۲۴ درصد در مقابل ۱/۰۶ درصد بود. و...

کشاورزی این کشورها حتی در صورت تقویت بیش‌تر (در غیاب طرح‌های اصلاح و توزیع مجدد اراضی) بتواند مشکل بیکاری یا اشتغال ناقص افراد بی‌زمین یا کم‌زمین روستاها را برطرف کند. در چنین وضعیتی، گسترش فعالیت‌های غیرکشاورزی و توسعه صنایع روستایی به‌منظور کاهش و تخفیف فقر روستایی

● دیگر نمی‌توان امیدوار بود که بخش کشاورزی کشورهای در حال توسعه حتی در صورت تقویت بیش‌تر، بتواند مشکل بیکاری یا اشتغال ناقص افراد بی‌زمین یا کم‌زمین روستاها را برطرف کند؛ در چنین وضعیتی، گسترش فعالیت‌های غیرکشاورزی و توسعه صنایع روستایی به‌منظور کاهش و تخفیف فقر روستایی ناگزیر می‌نماید.

ناگزیر می‌نماید.

افزایش کارگران غیرکشاورزی در مناطق روستایی
شمار روبه افزایش کارگران غیرکشاورزی در

سال ۱۹۹۰ حاکی از آن است که بخش صنعتی کشورهای در حال توسعه (به‌علت ماهیت سرمایه‌بر این بخش) قادر به جذب بیش از ۱/۲ از میزانی که انتظار می‌رود بین سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ به نیروی کار آن کشورها افزوده شود، نخواهد بود. از سوی دیگر، نمی‌توان امیدوار بود که بخش

اهمیت گسترش فعالیت‌های غیرکشاورزی از دید آمار

آمار مربوط به اشتغال نیز از دیگر مواردی است که بیش از پیش اهمیت توسعه و گسترش

کاستاریکا و نیکاراگوئه صورت گرفته است. در گرانادا تنها ۳۵ درصد از کشاورزان به طور تمام وقت بر روی زمین های کشاورزی مشغول به کار هستند، در حالی که کم تر از یک چهارم درآمد پاره وقت کشاورزان از کار کشاورزی به دست می آید. لذا چنین به نظر می آید که فعالیت های

کار دائمی در فعالیت های کشاورزی بوده است. معهداً آنچه که در آینده از اهمیت بیش تری برخوردار خواهد بود، تحوّل است که در سال های اخیر در ساختار نیروی کار روستایی به وجود آمده، موجب ادغام فزاینده بازار نیروی کار شهری و روستایی شده است. این دگرگونی

فعالیت های غیرکشاورزی را آشکار می سازد. در شماری از کشورها (تنها آن کشورهایی که اشتغال عمده آنها در بخش غیرکشاورزی بود) در سال ۱۹۷۰ حدود ۲۰ تا ۳۵ درصد نیروی کار روستایی در بخش غیرکشاورزی به کار اشتغال داشت، که این نسبت اکنون احتمالاً باید خیلی بیش تر باشد. اگر اشتغال دوم در بخش غیرکشاورزی را نیز محسوب کنیم، می توانیم بگوییم چیزی بین ۴۰ تا ۵۰ درصد نیروی کار روستایی - به صورت تمام وقت یا پاره وقت - در فعالیتهای غیرکشاورزی به کار اشتغال دارند.

● از نقطه نظر درآمد نیز اشتغال به فعالیت های غیرکشاورزی در رشد و رونق اقتصادی روستایی حائز اهمیت زیادی است. مثلاً در آسیا درآمد حاصل از فعالیت های غیرکشاورزی از حدود ۲۱ درصد در بنگلادش و فیلیپین، تا ۴۰ درصد در تایلند تفاوت می کرد. از این رو، گسترش فعالیت های غیرکشاورزی روستایی سهم عمده ای در افزایش درآمدهای روستایی داشته است.

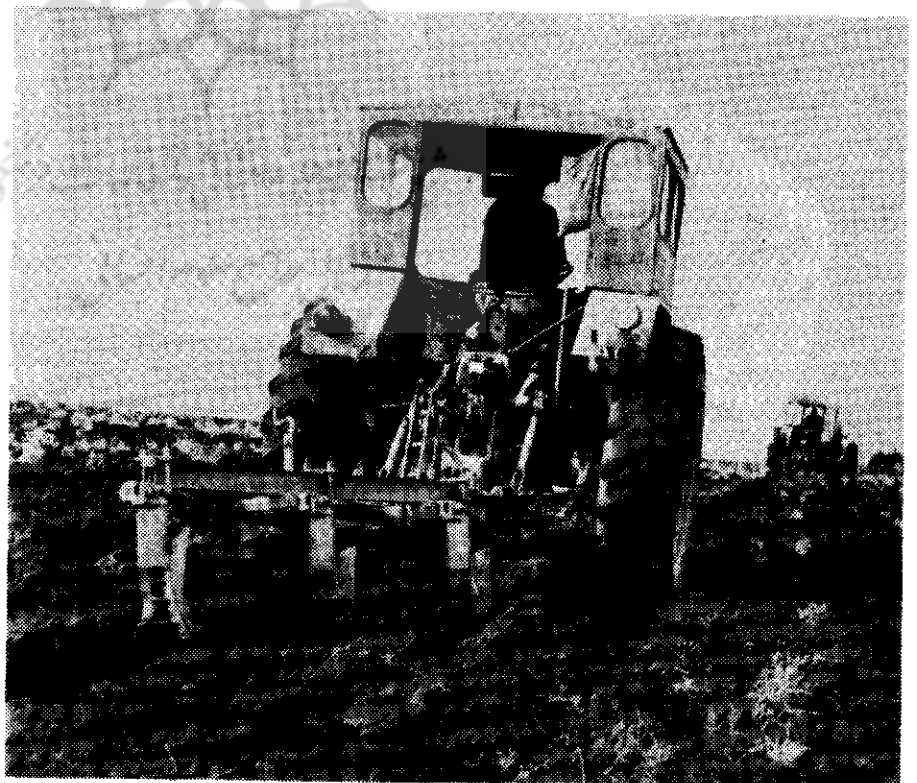
از نقطه نظر درآمد نیز اشتغال به فعالیت های غیرکشاورزی در رشد و رونق اقتصاد روستایی حائز اهمیت زیادی است. مثلاً در آسیا درآمد حاصل از فعالیت های غیرکشاورزی از حدود ۲۱ درصد در بنگلادش و فیلیپین، تا ۴۰ درصد تایلند تفاوت می کرد. از این رو واضح است که گسترش فعالیت های غیرکشاورزی روستایی سهم عمده ای در افزایش درآمدهای روستایی داشته است.

غیرکشاورزی در بسیاری از کشورها هم اکنون تقریباً اهمیتی معادل فعالیت های کشاورزی پیدا کرده است.

ساختاری بیش از پیش موجب شهری شدن (شهر مبنایی)^(۱۲) نیروی کار کشاورزی شده است. در همین حال، بخش عمده ای از نیروی کار روستایی نیز به طور فزاینده ای به فعالیت های غیرکشاورزی اشتغال پیدا می کنند. بیش ترین افزایش در درصد نیروی کار روستایی شاغل در فعالیت های غیرکشاورزی در مکزیک، برزیل،

به لحاظ فرم و نوع، اشتغال به صورت روزمزد در درجه اول اهمیت است. در آسیا به نظر می آید بیش از ۵۰ درصد کل اشتغال در کارهای غیرکشاورزی به صورت روزمزد باشد. در امریکای لاتین گرایش غالب جایگزین کردن نیروهای کار فصلی و غیردائم به جای نیروهای

توسعه و گسترش فعالیت های غیرکشاورزی - به ویژه برای آن گروه از خانوارهای روستایی که کم زمین یا بی زمین هستند - دارای اهمیت فراوان است. در واقع، رابطه متقابلی میان اندازه مزارع و اشتغال در فعالیت های غیرکشاورزی وجود دارد. اطلاعات و داده های موجود مبین آن است که وجود این رابطه برای تمامی کشورهای که اطلاعات در مورد آنها وجود دارد، صدق می کند. دیگر ویژگی مهم اشتغال در فعالیت های غیرکشاورزی، تناوبی بودن آن است. نوعاً کشاورزان در فصلی که کار کشاورزی نسبتاً راکد است، به دنبال اشتغال در فعالیت های غیرکشاورزی برمی آیند. بدین ترتیب، اشتغال در فعالیت های غیرکشاورزی رکود ایجاد شده در فعالیت های کشاورزی و الگوی کسب درآمد خانوارهای روستایی را جبران می کند. عوامل فوق به وضوح در تقلیل نابرابری های موجود در توزیع درآمد در روستاها و فقر زدایی (به طور فصلی یا دائمی) تشریک مساعی کرده، کشورهای مختلف را ملزم می کند تا اقداماتی را در این زمینه به اجرا بگذارند.



تأمین نهاده های مورد نیاز بخش کشاورزی

فعالیت های غیرکشاورزی در کشورهای در حال توسعه نهاده های مورد نیاز بخش کشاورزی

و فعالیت‌های مرتبط به آن را تأمین می‌کند، و تولیدات کشاورزی را - جهت مصارف داخلی یا صادرات - عمل‌آوری و تبدیل می‌کند و مصنوعات دستی مورد نیاز بازارهای داخلی و خارجی را فراهم می‌آورد. در اکثر کشورهای افریقای جمعیت روستاها به فعالیت‌های غیرکشاورزی (نظیر آسیاب غلات، خشک کردن گوشت و ماهی،

بیشتر کشورها اکثریت این کارگاه‌های تولیدی خرده‌پا در مناطق روستایی استقرار دارند (در مصر ۷۸ درصد و در بنگلادش و سیرالئون ۷۵ درصد). همچنین این کارگاه‌ها بخش عمده فعالیت‌های غیرکشاورزی را فراهم می‌آورند (در مصر ۶۹ درصد و در سیرالئون ۸۶ درصد). اغلب این نوع فعالیت‌ها منبع اصلی تأمین درآمد برای

● ویژگی مهم دیگر اشتغال در فعالیت‌های غیرکشاورزی، تناوبی بودن آن است. نوعاً کشاورزان در فصولی که کار کشاورزی نسبتاً راکد است، به دنبال اشتغال در فعالیت‌های غیرکشاورزی برمی‌آیند. بدین ترتیب، اشتغال در فعالیت‌های غیرکشاورزی رکود ایجاد شده در فعالیت‌های کشاورزی و الگوی کسب درآمد خانوارهای روستایی را جبران می‌کند.

زنان روستایی (به‌ویژه خانوارهای محروم و بی‌بضاعت) خوش‌نشینان است. در واقع، تولید و تهیه لباس، آسیاب کردن غلات و تولید و تهیه فرآورده‌های غذایی که بعضی از مهم‌ترین فعالیت‌های غیرکشاورزی روستایی هستند، توسط زنان روستایی انجام می‌شود. از میان کارگاه‌های صنعتی خرده‌پا به‌نظر می‌آید کارگاه‌های عمل‌آوری فرآورده‌های جنگلی هم به لحاظ تعداد و هم اهمیت اقتصادی، بیش‌ترین رقم را به‌خود اختصاص می‌دهند؛ هرچند تعداد متوسط نیروی کار شاغل در هر کارگاه همچنان پایین باقی مانده است (عموماً کم‌تر از ۵ نفر) اما این کارگاه‌ها نسبت پایینی از سرمایه به نیروی کار را نشان داده، منبع مهمی برای تأمین درآمد نقدی برای خوش‌نشینان و محرومان روستایی محسوب می‌شوند. بررسی‌های انجام شده در جامائیکا و سیرالئون نشان داد که کارگاه‌های خرده‌پا در کشورهای مذکور در مقایسه با شرکت‌ها و کارگاه‌های بزرگ به‌ترتیب سه‌برابر و پانزده برابر نیروی کار بیش‌تری را در استخدام داشتند.

تهیه ذغال، تجارت خرده‌پا و غیره) اشتغال دارند. در خاور نزدیک نیز کشاورزان همواره سعی دارند که نیروی کار موجود در روستا را به‌طور یکتواخت میان بخش کشاورزی و فعالیت‌های غیرکشاورزی تقسیم کنند. ضمناً در آن دسته از کشورهای منطقه که به لحاظ کشاورزی پیشرفته‌تر هستند (مانند قبرس) گرایش فزاینده‌ای به‌طرف کشاورزی پاره‌وقت و چندپیشگی^(۳) وجود دارد.

استقرار کارگاه‌های تولیدی خرده‌پا

از نظر نوع فعالیت‌های غیرکشاورزی کارگاه‌های تولیدی خرده‌پا که کارگزار بوده، در روستا مستقر هستند، بیش‌تر از سایر فعالیت‌ها معمول می‌باشند. این فعالیت‌ها موجب ایجاد اشتغال و درآمد، انتقال مهارت‌ها و فنون، ارتقاء سطح برابری درآمدها و تأمین کالاها و خدمات مورد نیاز مناطق روستایی می‌شوند. به‌عنوان مثال، در جامائیکا برآورد می‌شود که تقریباً یک هشتم کل جمعیت این کشور مستقیماً از درآمدهای ناشی از فعالیت در کارگاه‌های تولیدی خرده‌پا منتفع می‌شوند. مطالعات انجام شده در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که این فعالیت‌ها زمینه‌های متفاوتی را دربرمی‌گیرند. از جمله می‌توان به تولید پارچه، لباس، تولید فرآورده‌های غذایی، صنعتگری و دروگری و عمل‌آوری و فروش انواع محصولات و فرآورده‌های جنگلی اشاره کرد. در



توسعه ملی پذیرفته شده است و ایجاد مراکز منطقه‌ای جهت بررسی منابع و قابلیت‌های محلی، تأمین اعتبار و بازاریابی و اجرای طرح‌های آموزشی و تحقیقاتی مورد نیاز، مدنظر است. البته یکی از مشکلات و معضلات اصلی در این مسیر، فقدان بازار مورد نیاز برای جذب تولیدات این صنایع بوده است. معهذاً، تجارب موفقیت‌آمیز سه کشور شرق آسیا (ژاپن، جمهوری کره و چین) می‌تواند نمونه‌های مفید و سودمندی در ارتباط با نحوه برخورد با چنین مشکلاتی باشد.

اولین و مهم‌ترین اقدامی که اعمال آن در برخورد با این‌گونه موارد ضروری به‌نظر می‌رسید، توزیع مجدد منابع و دارایی‌ها از رهگذر اصلاحات ارضی و به‌دنبال آن دستیابی به رشد بالا و پایدار- هم در بخش کشاورزی و هم در بخش صنعت- بود.

چین در سال‌های اخیر در این زمینه به پیشرفت‌های قابل توجهی نایل آمده است. مابین سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۶ تعداد شرکت‌ها و کارگاه‌های صنعتی روستایی در این کشور از ۵۶۰۰۰ مورد به بیش از ۱۲ میلیون مورد رسیده است. ارزش ناخالص تولیدات صنعتی روستایی از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۳ هر سال به‌طور متوسط ۱۷ درصد و در سال‌های ۸۵-۱۹۸۴ بیش از ۳۰ درصد افزایش پیدا کرده است. چنین پیشرفت‌هایی مسئولان کشور را نسبت به پیدا کردن راه‌حلی برای مشکل اشتغال جمعیت کثیر آن کشور و همچنین کم کردن فاصله موجود میان شهرها و روستاها امیدوار کرده است.



فعالیت‌های صنعتی- کشاورزی

تبدیلی و عمل‌آوری محصولات کشاورزی، طیف کاملی از خدمات قبیل و بعد از تولید را دربرمی‌گیرد این فعالیت‌ها در چهارچوب خط‌مشی آگاهانه مبنی بر گسترش صنایع روستایی مبتنی بر کشاورزی- که طیف کاملی از خدمات مورد نیاز برای توسعه کشاورزی را فراهم آورده و ایجاد شرکت‌ها و کارگاه‌های کشاورزی- صنعتی محلی را مدنظر دارد- صورت می‌گیرد.

وجود شمار کثیری از کشاورزان حاشیه‌ای (بازر وقت) و خوش‌نشین باعث شده است که ایجاد و گسترش صنایع روستایی به عنصر مهمی در استراتژی‌های توسعه روستایی مبتنی بر ایجاد

بخش عمده‌ای از فعالیت‌های روستایی غیرکشاورزی را فعالیت‌های صنعتی- کشاورزی^(۴) تشکیل می‌دهد که در سال‌های اولیه دهه ۱۹۸۰ بیش از ۳۶ درصد از کل منافع حاصل از تولیدات غیرکشاورزی در کشورهای در حال توسعه مربوط به این بخش بوده است. در میان مناطق در حال توسعه، آسیا و امریکای لاتین بیش‌ترین سهم را از ارزش افزوده ناشی از کل تولیدات صنعتی- کشاورزی داشتند. از طرف دیگر، سهم آفریقا همچنان پایین باقی مانده است و حتی در مورد تولیدات غذایی، کاهش نیز پیدا کرده است. با توجه به اینکه عادات و الگوهای غذایی سنتی در تمامی این مناطق به سرعت جای خود را به عادات و الگوهای جدیدی که متضمن مرحله دومی از عمل‌آوری مواد غذایی است، می‌دهد (اگرچه این روند جایگزینی در همه موارد مطلوب نیست) بنابراین به‌نظر می‌رسد هنوز دامنه وسیع‌تری نیز برای عمل‌آوری محصولات کشاورزی وجود داشته باشد. متأسفانه سرمایه‌گذاری زیاد در صنایع غذایی در پاسخ به برآورده‌سازی این نیاز، موجب شده است که روندهای متفاوتی در ساختارهای زراعی و صنایع غذایی دنبال شود و در نتیجه، صنایع غذایی در مقابل بخش کشاورزی از استقلال و اختیار بیش‌تری برخوردار شده، وابستگی بیش‌تری به مواد اولیه و دانش و تکنولوژی وارداتی پیدا کند. این روند، به‌ویژه در امریکای لاتین، قابل مشاهده است و در واقع تنها معدودی از کشورها قادر به مقابله با این گرایش بوده‌اند. در چین صنایع

● فعالیت‌های غیرکشاورزی در کشورهای در حال توسعه، نهاده‌های مورد نیاز بخش کشاورزی و فعالیت‌های مرتبط به آن را تأمین می‌کند و تولیدات کشاورزی را به جهت مصارف داخلی یا صادرات، عمل‌آوری و تبدیل می‌کند و مصنوعات دستی مورد نیاز بازارهای داخلی و خارجی را فراهم می‌آورد.

برنامه‌ریزی، الگو، سیاست‌گذاری، طرح‌ها و میزان مناسبی که به امر صنعتی‌سازی روستایی اختصاص داده می‌شود، در کشورهای مختلف، متفاوت است. در یک سو، کشورهایی چون نیجریه قرار دارند که در برنامه‌های توسعه ملی خود، صنایع روستایی رقم کوچکی را به خود اختصاص می‌دهد و در مقابل، کشورهایی چون تانزانیا قرار

اشتغال، تبدیل شود. نظر به اینکه کمبود مواد اولیه، فقدان تکنولوژی مهارت، بازار و بودجه مناسب و مورد نیاز، دستیابی به این هدف را اغلب ناممکن می‌سازد، بنابراین اعمال سیاست‌های حمایتی از سوی دولت ضروری به‌نظر می‌رسد. در هندوستان، ایجاد و گسترش صنایع روستایی اکنون به‌عنوان یک عنصر مهم در استراتژی

دارند که در برنامه توسعه سوم آن کشور (۱۹۷۵-۸۰) بر توسعه صنایع روستایی مجدداً تأکید به عمل آمده است. در کنیا نیز در برنامه چهارم توسعه کشور (۱۹۷۹-۸۳) دریافت مشابهی مورد تأکید قرار گرفته بود و ضمناً مراکز برای گسترش روند ایجاد عدم تمرکز

کشاورزی) و اجرای طرح‌های مربوط به ایجاد تأسیسات و امکانات زیربنایی در مناطق روستایی است. در چین اجرای طرح «گردآوری نیروی انسانی» (LA) با جذب حدود ۲۰ درصد از نیروی کار روستایی در اجرای طرح‌های محلی نگهداری آب و تأسیسات آبیاری و طرح‌های

● تا هنگامی که هدف ایجاد اشتغال صریحاً در استراتژی‌های صنعتی‌سازی روستایی گنجانده نشود، نمی‌توان جذب نیروی انسانی در این صنایع را تضمین کرد. بنابراین، دستیابی به این هدف، نیازمند اتخاذ سیاست‌ها، تکنولوژی و نهادهای حمایتی مناسب، که قادر به رسیدگی، امور در سطح روستا و خانوارهای روستایی باشند، می‌باشد.

صنعتی در مناطق روستایی و مراکز مشابهی در سطح نواحی و در سطوح منطقه‌ای پیش‌بینی شده بود. در کشورهای غرب آفریقا، در گذشته تأکید بر صنایع بزرگ و سبک بوده است. در واقع، اگر صنایع کشاورزی کنار گذاشته می‌شد تنها ۲ تا ۳ درصد کل سرمایه‌گذاری در کشورهای این منطقه به دیگر صنایع روستایی اختصاص می‌یافت. کشورهای سنگال و مالی که در برنامه‌های توسعه اولیه خود روند مشابهی را دنبال می‌کردند، اخیراً اهمیت بیش‌تری برای توسعه صنایع روستایی قایل شده‌اند.

واضح است که اگر قرار باشد صنایع روستایی به‌عنوان منبع مهمی جهت ایجاد اشتغال عمل کند، بایستی تلاش گسترده و عظیمی صورت پذیرد. علاوه بر آن، تا هنگامی که هدف ایجاد اشتغال صریحاً در استراتژی‌های صنعتی‌سازی روستایی گنجانده نشود، نمی‌توان جذب نیروی انسانی در این صنایع را تضمین کرد. بنابراین، دستیابی به این هدف، نیازمند اتخاذ سیاست‌ها، تکنولوژی و نهادهای حمایتی مناسب که قادر به رسیدگی به امور در سطح روستا و خانوارهای روستایی باشند، می‌باشد.

طرح‌های اشتغال روستایی

همچنین دولت‌ها به‌طور آگاهانه به دنبال ایجاد اشتغال غیرکشاورزی از رهگذر طرح‌های اشتغال روستایی- چه طرح‌های اشتغال عمومی روستایی و چه طرح‌های اشتغال ویژه- برآمده‌اند. توجیه منطقی اجرای چنین طرح‌هایی، جذب نیروی انسانی غیرشاغل (به‌ویژه در فصل رکود کارهای

احیاء اراضی، نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای را در مراحل اولیه اجرای برنامه توسعه روستایی (۱۹۶۲-۷۸) ایفا کرد. همچنین طرح‌های عمده اشتغال روستایی پیش از این در هندوستان، پاکستان، بنگلادش و اندونزی در آسیا، مراکش تونس و الجزایر در شمال آفریقا (خاور نزدیک)، برزیل، مکزیک و پرو در امریکای لاتین به اجرا درآمده است. در بنگلادش سال‌هاست که طرح اشتغال روستایی به مهم‌ترین و تنها طرح فقرزدایی روستایی که به‌ویژه در فصول رکود کار در بخش کشاورزی فراهم آورنده کار و اشتغال برای محرومان روستایی می‌باشد، تبدیل شده است. طرح‌هایی که در این راستا هم‌اکنون در

● بخش عمده‌ای از فعالیت‌های روستایی غیرکشاورزی را فعالیت‌های صنعتی- کشاورزی تشکیل می‌دهد که در سال‌های اولیه دهه ۱۹۸۰ بیش از ۳۶ درصد از کل منافع حاصل از تولیدات غیرکشاورزی در کشورهای در حال توسعه مربوط به این بخش بوده است.

■ زیرنویس:

بنگلادش به اجرا درمی‌آیند، عبارتند از طرح غذا برای کار^(۵) طرح اشتغال عمومی ویژه و طرح اشتغال روستایی فشرده.

در اندونزی نیز بازسازی سیستم‌های آبیاری و جاده‌های و راه‌های ارتباطی از طریق اجرای طرح‌های اشتغال روستایی صورت می‌پذیرد. طرح‌های اشتغال ویژه نیز در بعضی از کشورها به اجرا درآمده است. در هندوستان اجرای طرح ملی اشتغال روستایی در مناطقی که پدیده فقر و

خوش‌نیشینی به شدت خود را نشان می‌دهد، به‌منظور ایجاد دارایی‌های مولد و امکانات زیربنایی در جامعه روستایی برای آنها فرصت‌های اشتغال فراهم می‌آورد. در هفتمین برنامه توسعه پنج ساله (۱۹۸۵-۹۰) توسعه و گسترش جنگلکاری عمومی به‌منظور ایجاد اشتغال، مورد تأکید قرار گرفته است. در همین حال، طرح تضمین اشتغال خوش‌نشینان روستایی بر آن است که دست کم برای یک نفر از اعضاء هر یک از خانوارهای بدون زمین دست کم برای ۱۰۰ روز در سال ایجاد اشتغال کند. مطالعه‌ای که اخیراً در مورد طرح‌های اشتغال روستایی در هندوستان انجام گرفت، نشان داد که اگر قرار است اجرای این طرح‌ها برای بخش عمده‌ای از روستاییان غیرشاغل یا دارای اشتغال ناقص مفید واقع شود و برای آنها اشتغال دایم ایجاد کند، نیاز به اجرای طرح‌های شجاعانه‌تری نیز وجود دارد. علاوه بر آن، موفقیت این طرح‌ها و گروه‌های ذینفع احتمالی آنها بدون شک بستگی به ماهیت و چگونگی بافت و محیط نهادی و سازمانی خواهد داشت که در آن طرح‌های مذکور به اجرا درمی‌آیند. به‌عنوان مثال، مشخص شده است که در بنگلادش، کشاورزان، عمده نفع‌برندگان اصلی از اجرای طرح‌های ایجاد امکانات زیربنایی و زیرساختی بوده‌اند. همچنین پوشش اجرایی این طرح‌ها در حال حاضر به اندازه‌ای نیست که بتواند تأثیر بسزایی بر امر ایجاد اشتغال داشته باشد. از این‌رو اجرای این طرح‌ها تنها می‌تواند بخشی از استراتژی کلی مربوط به ایجاد اشتغال غیرکشاورزی را دربرگیرد.

- ۱- سازمان جهانی کار، طرح گسترش و ارتقاء میزان اشتغال و درآمد محرومان روستایی (از جمله زنان روستایی) از رهگذر فعالیت‌های غیرکشاورزی، ژنو، ۱۹۸۳.
- ۲- town-based
- ۳- pluri-activity
- ۴- agro-industries
- ۵- Food-For Work Programme